



می شود و دانش آموزی ناآگاه ابزاری در دست رقیبی می شود تا پرسشی گستاخانه و بی ادبانه شکل گیرد، باشد که معلم از کوره دررفته و آبروی حرفه ای اش بریزد! گاهی شیطننت دانش آموزی، سؤال هایی موزیانه به میان می آورد، سؤال هایی که فضای کلاس را آشفته می کند.

بخشی از خاطرات تحصیلی بزرگ ترها از جمله ما معلمان، نحوه مواجهه معلمان با سؤال ها است. گاهی از دوران تحصیل خاطرات گزارش می کنیم و از توانمندی یا ناتوانی معلمی در روبه رو شدن با سؤال ها سخن می گوئیم، به ویژه توان معلمان در روبه رو شدن با سؤال های موزیانه. راستی، همکاران گرامی، اگر دانش آموزی با قصد کشتی با شما سؤال موزیانه ای مطرح کند، چه واکنشی نشان می دهید؟

پاسخگویی به پرسش های گوناگون دانش آموزان نیازمند به سبک اخلاقی و مهارت رفتاری است. تجربه شما همکار گرامی در مواجهه با سؤال های گستاخانه و موزیانه چیست؟ لطفاً تجربه خود را به صورت کوتاه بنویسید.




---

---

---

---

---

پاسخگویی به پرسش های دانش آموزان سه سبک متمایز دارد: اخلاقی، غیر اخلاقی و ضد اخلاقی. ملاک تمایز این سبک ها رعایت حقوق دانش آموزان است. شیوه ای که منجر به رعایت حقوق آنها می شود، اخلاقی است و شیوه ای

که حقوق آنان را از بین ببرد، ضد اخلاقی است و سبک سوم غیر اخلاقی است. البته دو سبک اخلاقی و ضد اخلاقی مراتب و درجه‌های گوناگون دارد؛ نباید امر را سفید و سیاه و صفر و یک دید.

چرا عده‌ای از معلمان مواجهه اخلاقی با سؤال را در خویش ملکه کرده‌اند و آن را همچون سبکی پایدار درآورده‌اند، درحالی‌که عده‌ای دیگر با مواجهه‌های غیر اخلاقی و ضد اخلاقی با سؤال، دانش‌آموزان را به مخالفت وامی‌دارند و حرمت حرفه‌ای‌شان را بر باد می‌دهند؟

پاسخ به این سؤال را در انگاره‌ها و فضایل شخصیتی می‌توان یافت. رفتار ما از جمله پاسخگویی به پرسش‌ها، بر انگاره ما استوار است. انگاره ما از سؤال دانش‌آموز چیست؟ حق انگاری؟ فضولی انگاری؟ فرصت یادگیری؟ تهدید؟ دشمنی؟ حال‌گیری و ضایع کردن؟ اتلاف وقت؟ مایه تعامل اثربخش؟ ...

### نمونه

دانش‌آموز کلاس اول دبستان، پس از تدریس معلم درباره رعد و برق، از او پرسیده بود: ابرها که این قدر نرم هستند، چرا وقتی به هم برخورد می‌کنند صدای مهیبی تولید می‌شود؟

معلم در پاسخ گفته بود: تو کوچک‌تر از آن هستی که این چیزها را بفهمی! دانش‌آموز شکایت این پاسخگویی را به مادر خود چنین انتقال داده بود: معلم که می‌گفتید این بود!!؟ اینا که چیزی بلد نیستند!!-----

### پایه‌های مواجهه اخلاقی با سؤال

سبک اخلاقی مواجهه با سؤال دانش‌آموزان، بر چند فضیلت حرفه‌ای در معلم استوار است: حلم و صبوری، درستکاری و صداقت، پاسخگو بودن و مسؤولیت‌پذیری، سعه‌صدر، مطالعه پیشین، برخورداری از دانش و اطلاعات





کافی. میزان توانایی و هوش هیجانی معلم، با سبک اخلاقی روبرو شدن با سؤال نیز همبستگی دارد. معلم با هوش هیجانی بالا، می تواند بر خشم خویش مسلط شود و با سؤال های گستاخانه، اخلاقی تر برخورد کند.

### اصول مواجهه اخلاقی با سؤال

سبک اخلاقی روبرو شدن با پرسش، حداقل بر دوازده اصل استوار است: یک، باور به حق سؤال. حق انگاری سؤال و وظیفه انگاری جواب بنیان مواجهه اخلاقی و محترمانه با پرسش دانش آموزان است. این انگاره قابل مقایسه با فضولی انگاری سؤال است. بازانگاری و اصلاح انگاره ها سرآغاز اخلاق ورزی است.

دو، هنر گوش دادن. شنیدن سؤال و توجه به آن همراه با حوصله، نشاط، تبسم و اهمیت دادن به سؤال گام دوم است.

سه، تشویق سؤال کننده و ترغیب همکلاسی ها به پرسشگری و تأکید بر اینکه: سؤال حق شماست و پاسخ وظیفه ما. پرهیز از هرگونه سرکوب سؤال و برچسب زدن به سؤال کننده (مانند برچسب مغل کلاس) وظیفه اخلاقی است.

چهار، تلاش برای فهم درست سؤال و پرهیز از شتابزدگی در ارائه پاسخ. درک وفادار و دقیق از پرسش گام سوم در فرایند پاسخ دهی به سؤال است.

پنج، بازخوانی سؤال و مشارکت با سؤال کننده برای دستیابی به صورت دقیق تر، کامل تر و روشن تر سؤال. گاهی سؤال دانش آموز نقد بر مباحث کلاسی است، تقویت سؤال و اشکال، سبب شکوفایی دانش آموز می شود؛ تا او بیاموزد نیک طرح کردن سؤال نیمی از دانش است.<sup>۱</sup>

استاد مطهری به این خصلت اشتها داشتند. اگر دانشجویی سؤالی را در نقد دیدگاه ایشان مطرح می کرد، استاد با احسنت و آفرین گفتن به او، کمک می کرد

تا اشکال قوی تر طرح گردد و سپس پاسخ بیاورد.<sup>۱</sup>

شش، مواجهه صادقانه با سؤالاتی که پاسخ آنها را نمی‌دانیم. پنهان کردن جهل، خامی است. معلمان ورزیده از گفتن نمی‌دانم هراسی ندارند، زیرا آنان ارائه جواب نادرست را بسی زیان‌بارتر از گفتن "نمی‌دانم" می‌یابند.

در کلمات قصار نهج البلاغه دو جمله پرمعنا درباره شجاعت گفتن "نمی‌دانم" آمده است: پنج چیز است که یادگیری آنها به هر رنج و سفری می‌صرفد: ... آموختن این که اگر از شما چیزی پرسند و ندانستید بگویید: نمی‌دانم ...<sup>۲</sup>

هرکس گفتن نمی‌دانم را ترک کند، به هلاکت گاه خویش می‌رسد.<sup>۳</sup>

پنهان کردن جهل، از طریق پیچاندن سؤال و ایجاد سردرگمی و گمراه کردن دانش‌آموزان، خلاف تعهد حرفه‌ای است. معلمی که با خود مهربان است چنین نمی‌کند، زیرا دانش‌آموز دیر یا زود به میزان صداقت معلم در پاسخ به سؤال پی می‌برد.

مواجهه صادقانه و شجاعانه در این مقام بیان این است که "جواب دقیق را باید در فرصت دیگر بدهم."

هفت، وفای به عهد و ارائه پاسخ سؤالی که به فرصت دیگر احاله شده است. با یادداشت کردن سؤال و مطالعه درباره آن می‌توان، با پدیده فراموشی مبارزه کرد. البته مهم‌انگاری سؤال مانع فراموش شدن آن است.

هشت، ارجاع به متخصص. وقتی دانش کافی برای پاسخ به مسأله‌ای نداریم، با صمیمیت و صراحت می‌توان دانش‌آموز را به کسانی که دانش کافی دارند و آثارشان ارجاع داد. دانش‌آموز، در عمل، با تماشای صحنه زیبای احتیاط علمی، فروتنی را از معلم خود یاد می‌گیرد.

۱. بنگرید: جلوه‌های معلمی استاد مطهری.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۸۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۸۳.





نه، دقت در ارائه جواب، احتیاط علمی و پایبندی به راهنمایی درست و دقیق دانش آموز. پاسخ نادرست به منزله راهنمایی غلط و به بیراهه سوق دادن است و آن علاوه بر اینکه سبب گمراه شدن دانش آموز می شود، سبب به باد رفتن آبروی معلم نیز می شود.

ده، تمایز انگیزه سؤال از خود سؤال در مواجهه با پرسش هایی که موزیانه انگاشته می شوند. پرهیز از انگیزه یابی، کنار نهادن انگیزه های احتمالی و بها دادن به خود سؤال، سبب افزایش مهارت پاسخگویی اخلاقی می شود.

یازده، مواجهه دلسوزانه با دانش آموزی که به هر انگیزه سؤال ناروا می پرسد و کلاس را برمی آشوبد. اگر سؤالی گستاخانه و با بی ادبی طرح می شود، مواجهه اخلاقی آن است که معلم صبر و شکیبایی کند. ذهن و روان خود را از موقعیت کنار بکشد، اندکی سکوت کند و آنگاه بانشاط و مهربانی در شرایط و آداب پرسش به صورت غیرمستقیم توضیح دهد و رخنه های سؤال را، نه به زبان تند و خشن بلکه با تبسم، خوش رویی و روشن گویی نشان دهد.

دوازده، بخشودن و پرهیز از مقابله به مثل. وقتی احساس می کنیم، دانش آموز به تحریک کسی و برای توهین به ما پرسشی ناروا و بی جا طرح می کند، باید بدانیم که به تعبیر مولوی «خون به خون شستن محال است و محال<sup>۱</sup>». مقابله به مثل نه اثربخش است و نه شایسته شأن معلمی. در چنین موقعیتی با مدیریت خشم باید کریمانه، و نه از سر بیچارگی و درماندگی، به اصل «از کوچک تر خطا و از بزرگ تر عطا» عمل کنیم.

سیزده، در همه حالت های یادشده، به مشارکت گذاشتن سؤال و دعوت از همه دانش آموزان برای درنگ و تدبر در سؤال یک اصل اخلاقی است. تلاش گروهی در رشد شخصیت دانش آموزان مؤثر است.

چهارده، مواجهه عادلانه با پرسش. ارائه فرصت برای طرح پرسش و نیز نحوه برخورد با پرسش می‌تواند عادلانه و یا تبعیض‌آمیز باشد. اصل عدالت توزیعی، حکم می‌کند همه دانشجویان، فرصت عادلانه‌ای در بیان سؤال‌ها داشته باشند. تبعیض‌آمیز است که به برخی از دانش‌آموزان همیشه فرصت سؤال بدهیم و برخی دیگر را از چنین فرصتی محروم کنیم. عادلانه بودن فرصت سؤال لزوماً به معنای برابری نیست؛ اگرچه همه دانش‌آموزان در حق سؤال کردن برابرند. حقوق همه دانش‌آموزان، در جمع، اقتضا می‌کند کسانی که سؤال‌های مرتبط و مهم دارند، فرصت بیشتری داشته باشند اما سلب فرصت از بقیه دانش‌آموزان، ستم است. عادلانه بودن ناظر به نسبت بین ارتباط و اهمیت سؤال با فرصت متناسب با آن است و البته معلم مشفق می‌تواند همین نسبت را به صورت یک قاعده برای همه دانش‌آموزان بیان کند. اما، نامهم و حتی غیر مرتبط بودن سؤال نباید در دانش‌آموزان به خودسانسوری و هراس از پرسش تبدیل گردد.

مواجهه همسان با دانش‌آموزان پرسشگر، عدالت رویه‌ای است. برخورد با خوش‌رویی با عده‌ای و ترش‌رویی کردن با سؤال عده‌ای دیگر، تبعیض در رویه است. اصل در مواجهه با سؤال، هدایت همسان دانش‌آموزان به پرسشگری است که نیازمند عدالت توزیعی در فرصت و عدالت رویه‌ای در برخوردها است. کمتر رفتاری، مانند تبعیض، شکننده است. احساس تبعیض علامت ارتباط ناسالم است و اگر رفع نشود به مثابه خاطره‌ای دردناک در ذهن دانش‌آموز ماندگار می‌شود.

### نمونه

روزی از دانشجویانم خواستم تا همدیگر را مهمان خاطرات تلخ و شیرین خود، در موضوع سؤال کردن در کلاس، کنند. یکی گفت: روزی بحث استاد فلسفه را نفهمیدم. سؤال کردم. از جواب استاد چیزی دست گیرم نشد، دوباره پرسیدم. استاد با برافروختگی در چهره گفت: خانم این قدر در برابر فهمیدن





مقاومت نکن. و من شرمسار از خنگی خودم دیگر سؤال نکردم.

یکی از دخترخانم‌ها گفت: من امسال در یک مدرسه تدریس می‌کنم. از شما یاد گرفته‌ام که بچه‌ها را به سؤال تشویق کنم. در کلاس از اهمیت سؤال پرسیدن صحبت کردم و به اصرار خواستم تا از من سؤال کنند. کسی سؤال نداشت بالاخره یکی دست بلند کرد و گفت: خانم اجازه، سن شما چقدر است؟ سومی گفت: در دبیرستان معلمی داشتیم که توجه و علاقه خاصی به یکی از دانش‌آموزان داشت. او مقداری در فهم درس کند بود و گاهی هم شیرین می‌زد و سؤال‌هایی می‌کرد که همه می‌خندیدند. وقتی او سؤال می‌کرد معلم با تبسم می‌گفت: آفرین! چه سؤال خوب و به‌جایی، سؤال هوشمندانه‌ای است. اما سؤال دانش‌آموزان دیگر را تحویل نمی‌گرفت. روزی سؤال کردم اعتنا نکرد، سؤال را تکرار کردم، جواب کوتاه و بی‌ربط داد. بر سؤال اصرار کردم و باز جواب نگرفتم. به‌تندی گفتم: مثل اینکه دچار وسواس ذهنی شده‌ای، هی می‌پرسی؟

چهارمی گفت: ما سؤال کوچکی می‌پرسیم و استاد چندان دراز دامن و مشروح جواب می‌دهد که از اصل سؤال کردن پشیمان می‌شویم. همه دانشجویان زدند زیر خنده و نگاه‌های فراوانی بین آنان که اشاره‌ای به من داشت، ردوبدل شد. فهمیدم، مشخصات من را باز گفته است! من از او یاد گرفتم که حاشیه رفتن به پاسخ سؤال، می‌تواند سبب خستگی و انحراف بحث شود. -----

پانزده، مدیریت مواجهه کلاس با سؤال. نه تنها معلم، خود باید به سؤال دانش‌آموز اقبال کند بلکه او باید سایر دانش‌آموزان را به مواجهه اخلاقی با سؤال هم‌کلاسی‌شان ترغیب کند و آنان را از تمسخر و تحقیر سؤال‌کننده بازدارد.<sup>۱</sup>

۱. در مهارت‌های کاوش جمعی، در فلسفه برای کودکان (P4C) به توجه به سوالات دیگران و نقد و قضاوت منصفانه اهمیت بسیار داده می‌شود. اطلاعات بیشتر در این زمینه را بنگرید: لیپمن، فلسفه برای کودکان و تفکر انتقادی (Philosophy for Children and Critical Thinking)، ص ۶۸۲.

شانزده، نقدپذیری. ممکن است سؤال دانش‌آموزی انتقاد و اعتراض باشد. باید دانست در مواجهه اخلاقی، نقد حق دانش‌آموز و نقدپذیری و پاسخگویی وظیفه اخلاقی معلم است. دانش‌آموز به هر حال نقد و اعتراض خود را طرح خواهد کرد. او اگر نقد خود را محترمانه به خود معلم نتواند بگوید، به صورت‌های غیرمحترمانه، آن را پشت سر معلم خواهد گفت.

هفده، انتقال مهارت‌های تشخیص و حل مسأله. وقتی دانش‌آموزی سؤالی را مطرح می‌کند، فرصت خوبی به میان می‌آید تا فرایندها و مهارت‌های تشخیص دقیق مسأله و صورت‌بندی روشن و متمایز سؤال را بدهیم، مثلاً مهارت متمایز مسأله را از مسئله‌نما در عمل به دانش‌آموزان منتقل کنیم.

اصول هفده‌گانه مواجهه اخلاقی با سؤال دانش‌آموز را در جدول آورده‌ایم.

۱۰	تمایز انگیزه سؤال از خود سؤال	۱	حق انگاری سؤال
۱۱	مواجهه مشفقانه با انگیزه‌های ناروا	۲	هنر گوش دادن
۱۲	بخشودن	۳	تشویق سؤال‌کنندگان
۱۳	مشارکت طلبی از سایر دانش در ارائه پاسخ	۴	تلاش برای فهم درست و دقیق سؤال
۱۴	مواجهه عادلانه با سؤال	۵	بازخوانی و بازسازی سؤال با مشارکت سؤال‌کننده
۱۵	مدیریت مواجهه کلاس با سؤال	۶	مواجهه صادقانه با سؤال‌هایی که جواب آن‌ها را نمی‌دانیم
۱۶	نقد پذیری	۷	وفای به عهد و ارائه پاسخ به سؤال در وقت مناسب
۱۷	انتقال مهارت‌های تشخیص مسئله	۸	ارجاع به متخصص
		۹	دقت در ارائه جواب

نمودار شماره ۱۳: اصول هفده‌گانه مواجهه با سؤال

### مواجهه غیراخلاقی با سؤال

سبک‌های غیراخلاقی و ضد اخلاقی مواجهه با سؤال دانش‌آموزان هم گوناگون است: بی‌اعتنایی به سؤال و بی‌مقدارانگاری پرسش دانش‌آموزان، تحقیر سؤال‌کننده،



مواجهه پرخاشگرانه با سؤال و سرکوب پرسشگری، نگاه عاقل اندر سفیه به پرسشگر، بی‌مبالائی در جواب، ارائه پاسخ سست، بی‌پایه و گمراه‌کننده و ... . سبک‌های ضد اخلاقی در روبه‌رو شدن با سؤال دانش‌آموزان پیامدهای زیان‌بار دارد از جمله، شکل‌گیری انگاره زشت از معلم در ذهن دانش‌آموز، ویرانی پیوند مقدس معلم و دانش‌آموز، فرو ریختن حرمت معلمی، بی‌اعتمادی به معلم و اختلال در فرایند تعاملی یاددهی و یادگیری. مواجهه ناروا با سؤال چون خاطره‌ای آزار دهنده در ذهن دانش‌آموز باقی می‌ماند.

### نمونه

یکی از استادانی که کلاس‌های او در سکوت، اما با تنش درونی دانشجویان برگزار می‌شد، مردی بود در زندگی اجتماعی نیکوکار و در مناسبات دوستانه، راسخ و پایدار. از مروت‌های او حکایت‌ها می‌گفتند، اما این جنبه‌های شخصیت او از نگاه دانشجویان به کلی پنهان بود. با او می‌شد صحبت و حتی بحث کرد، اما هر کس هر چیزی می‌گفت، او آن گفته را به سامانه واژگانی و اصطلاحی خودش می‌برد، به واژگان خودش تبدیل یا شاید هم ترجمه می‌کرد، و سپس با سامانه فکری خودش می‌سنجید. اگر در آنجا با اجزای موجود آن سامانه مطابقت داشت، به عنوان نظر خودش باز می‌گشت و ابراز می‌شد، و اگر تطابق و تناظر کامل نداشت، و شاید حتی اگر اندک اختلافی هم داشت، رد می‌شد. یکی از دوستانم که شیوه این استاد را با او به دقت زیر نظر داشتیم، هرگاه دانشجویی موضوعی را در کلاس طرح می‌کرد، با آرنجش به پهلویم می‌زد و می‌گفت: «رفت کارگاه ریخته‌گری». به نظر آن دوستم، ذهن آن استاد مثل کارگاهی ریخته‌گری بود که قالب‌های از پیش‌ساخته به‌طور منظم در آن چیده شده بود، اما از

کارگاه فقط چیزی بیرون می‌آمد که قالبش از پیش موجود بود. اگر بر پایه قالب‌ها سفارش می‌دادید، محصولات با ابعاد دقیق و به‌طور منظم تحویل می‌گرفتید، و شاید هم از آن‌همه نظم و دقت به حیرت می‌افتادید. اما قرار نبود در آن کارگاه قالب تازه‌ای ریخته‌شود. اگر آن کارگاه به قالب‌ریزی هم ادامه می‌داد، شاید به‌مرور به کارگاه بزرگ و بزرگ‌تری و با محصولات متنوع‌تری تبدیل می‌شد، اما استاد روی یک پا ایستاده بود که همان قالب‌ها با همان تعداد برای این جهان بشریت کافی است. در نتیجه، پس از آن که مدتی می‌گذشت و با قالب‌ها و محتویات آن‌ها آشنا می‌شدید، می‌دیدید که استاد دوباره و سه‌باره می‌رفت سراغ قالب اول و از آنجا به قالب دوم و قالب‌های دیگر. وقتی شما حرف‌های مکرر را درست با همان واژگان، تعبیرها و توصیف‌ها می‌شنیدید، می‌خواستید یقه خودتان را از فرط تکرار و ملال جر بدهید!

هدفه اصل اخلاقی را در مواجهه با سؤال دانش‌آموزان بیان کردیم. عمل به این اصول نیازمند بیان رفتارهای معینی است. به‌عنوان مثال، عمل به اصل "سؤال حق دانش‌آموز است" نیازمند رفتارهای خاصی است، مانند احترام به طرح سؤال، اجتناب از هرگونه تمسخر و تحقیر، بی‌محلی نکردن به سؤال و ... . مجموعه این رفتارها را کدهای رفتاری می‌نامیم. اگر اصول اخلاقی به کد رفتاری تبدیل نشوند، به‌صورت شعار باقی می‌مانند. پس لطفاً برای هریک از اصول اخلاقی مواجهه با سؤال، کدهای رفتاری تعیین بفرمایید.